

کتاب دانیال - شماره شصت و چهار

پرده برداری از نبوت: ارتباط یازده سپتامبر ۲۰۰۱ با زمان مهر شدن، باران پسین و کار پایانی مسیح

Jeff Pippenger

2024-01-28

در مقالات اخیر به چند بخش از روح نبوت اشاره کرده‌ایم که دوره‌ای زمانی را از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا هنگامی که میکائیل قیام می‌کند و مهلت بشر بسته می‌شود مشخص می‌کنند. در طول آن دوره، چند نمونه نبوی وجود دارد که کار نهایی مسیح را در قدس‌الاقداص نشان می‌دهند.

کار مسیح در قدس آسمانی در رؤیای نهر اولای در باب هشتم کتاب دانیال نمایانده شده است، و خواهر وایت به ما اطلاع داده که رؤیای نهر اولای اکنون در روند تحقق است. کار نهایی‌ای که در قدس آسمانی انجام می‌گیرد و اکنون در حال تحقق است، با اصطلاحات نبوی گوناگونی توصیف شده است. از جمله آن را زمان مهرگذاری، باران پسین، کار پایانی نجات و پاک‌سازی هیکل می‌نامند. مهم است که این اصطلاحات را کنار هم بیاوریم و نیز آنها را در بستر تاریخی درستشان قرار دهیم.

در آن زمان، در حالی که کار نجات رو به پایان است، مصیبت بر زمین خواهد آمد و ملت‌ها خشمگین خواهند شد، اما مهار می‌شوند تا مانع کار فرشته سوم نگردند. در آن زمان «باران آخر»، یا تجدید نیرو از حضور خداوند، خواهد آمد تا به صدای بلند فرشته سوم قدرت ببخشد و مقدسان را آماده سازد تا در دوره‌ای که هفت بلای آخر ریخته خواهد شد، استوار بایستند. نوشته‌های نخستین، ۸۵.

«کار فرشته سوم» همچنین «کار نجات» است که «قدیسان را آماده می‌کند تا در دوره‌ای که هفت بلای آخر فرو ریخته خواهند شد، بایستند.»

و ملت‌ها خشمگین شدند، و خشم تو فرارسیده است، و زمان مردگان نیز فرارسیده است تا داوری شوند، و تا تو پاداش دهی به بندگان خویش، یعنی پیامبران، و به قدیسان، و به آنان که از نام تو می‌ترسند، کوچک و بزرگ؛ و نابود کنی کسانی را که زمین را نابود می‌کنند. مکاشفه ۱۱:۱۸.

ملت‌ها پیش از بسته شدن دوره مهلت (که همان هنگام ریخته شدن خشم خداست) خشمگین می‌شوند؛ با این حال، وقتی ملت‌ها خشمگین می‌شوند، «در مهار نگه داشته می‌شوند». آن «زمان» که ملت‌ها خشمگین می‌شوند، آغاز کار پایانی نجات را نشان می‌دهد، و کار پایانی نجات همان مهر کردن قوم خداست.

قوم حقیقی خدا، که روح کار خداوند و نجات نفوس را در دل دارند، همواره گناه را در ماهیت واقعی و گناه‌آلودش خواهند دید. آنان همیشه جانب برخورد صادقانه و بی‌پرده را با آن گناهی خواهند گرفت که به آسانی دامنگیر قوم خدا می‌شوند. به‌ویژه در کار پایانی برای کلیسا، در زمان مهر شدن آن یکصد و چهل و چهار هزار نفری که باید بی‌عیب در برابر تخت خدا بایستند، آنان عمیق‌ترین احساس را نسبت به خطاهای مردمی خواهند داشت که خود را از آن خدا می‌دانند. این معنا به قوت در تمثیل پیامبر از کار نهایی، به صورت تصویر مردانی که هر یک سلاحی برای کشتار در دست داشتند، بیان شده است. یکی از ایشان جامه کتان بر تن داشت و دوات کاتب بر پهلوئی او بود. «و خداوند به او گفت: از میان شهر بگذر، از میان اورشلیم، و نشانی بر پیشانی مردانی بگذار که برای همه رجاساتی که در میان آن انجام می‌شود آه می‌کشند و می‌نالند.» شهادت، جلد ۳، ۲۶۶.

ملت‌ها مهار شده‌اند تا مانع مهر شدن آن صد و چهل و چهار هزار نفر نشوند. در باب هفتم مکاشفه، ملت‌های خشمگینی که مهار شده‌اند، به صورت چهار باد نشان داده می‌شوند که در همان دوره زمانی مهار نگه داشته می‌شوند، و آن زمان به طور مشخص به عنوان دوره‌ای از زمان معرفی شده است.

شیطان اکنون در این زمان مهر کردن از هر حيله‌ای بهره می‌گیرد تا ذهن‌های قوم خدا را از حقیقت حاضر دور نگه دارد و آنان را به تزلزل اندازد. پوششی دیدم که خدا بر قوم خود می‌گسترانید تا آنان را در زمان تنگی محافظت کند؛ و هر نفسی که بر حقیقت مصمم بود و دلی پاک داشت، با پوشش قادر مطلق پوشانیده می‌شد.

شیطان از این آگاه بود و با قدرتی عظیم فعال بود تا ذهن‌های هرچه بیشتری از مردم را تا آنجا که می‌توانست نسبت به حقیقت متزلزل و مردد نگه دارد...

دیدم که شیطان به این شیوه‌ها در کار است تا قوم خدا را منحرف کند، بفریبد و از خدا دور سازد، هم‌اکنون، در این زمان مهر شدن. دیدم برخی برای حقیقت حاضر محکم نمی‌ایستادند. زانوهایشان می‌لرزید و قدم‌هایشان می‌لغزید، زیرا محکم بر حقیقت استوار نبودند، و تا چنین می‌لرزیدند، پوشش خدای قادر مطلق نمی‌توانست بر آنان گسترده شود.

"شیطان همه مکر و فنون خود را به کار می‌گرفت تا آنان را همان‌جا که بودند نگه دارد، تا زمان مهر شدن بگذرد، تا پوشش بر قوم خدا کشیده شود، و آنان بی‌سرپناه در برابر خشم سوزان خدا، در هفت بلای آخر، بمانند. خدا آغاز کرده است این پوشش را بر قوم خود بگستراند، و به زودی بر همه کسانی که باید در روز کشتار سرپناه داشته باشند کشیده خواهد شد. خدا با قدرت برای قوم خود عمل خواهد کرد؛ و به شیطان نیز اجازه داده خواهد شد که عمل کند." نوشته‌های اولیه، ۴۳، ۴۴.

خواهر وایت این سخنان را در سال ۱۸۵۱ نوشت، پنج سیال پیش از آنکه قوم خدا وارد وضعیت لائودیکی شوند و با رد کردن نور افزون «هفت زمان»، فرایند مهر کردن را به تأخیر بیندازند. آن نور می‌توانست افزوده شود و کار خدا را در پوشاندن قوم خود پیش از هفت بلای آخر به پایان برساند. اما به جای آن، قوم خدا تمرد کردند و محکوم شدند که در بیابان لائودیکه سرگردان باشند، چنان‌که شورش و سرگردانی اسرائیل باستان در بیابان نمونه‌اش بود. چند نفر از شورشیان اسرائیل باستان وارد سرزمین موعود شدند؟ کدام بخش در کتاب مقدس یا روح نبوت نشان می‌دهد که لائودیکانی نجات خواهند یافت؟ پاسخ این است: «هیچ‌کدام!» زیرا یک لائودیکی درست به همان اندازه گمشده است که آنان از اسرائیل باستان که در بیابان مردند.

مهر کردن صد و چهل و چهار هزار، یک دوره زمانی است و از زمانی آغاز می‌شود که چهار فرشته چهار باد را مهار می‌کنند؛ همان زمانی که ملت‌ها خشمگین می‌شوند، اما در مهار نگه داشته می‌شوند. در زمان مهر کردن، خدا قوم خود را آماده می‌کند تا در زمان هفت بلای آخر ایستادگی کنند، و آن آمادگی به صورت کشیدن «پوششی» بر قوم او نمایانده شده است، و همچنین به صورت به پایان رساندن کار نجات و به پایان رساندن کار فرشته سوم نیز تصویر شده است. این آمادگی که با همه این تمثیل‌ها نمایانده شده، مبتنی بر پذیرش «حقیقت حاضر» است.

کسانی که «محکم برای حقیقت حاضر» نمی‌ایستند، همان کسانی‌اند که «متزلزل» بودند، زیرا ذهنشان بر «حقیقت حاضر» متمرکز نبود. او می‌نویسد که «دیدم برخی که محکم برای حقیقت حاضر نمی‌ایستادند. زانوهایشان می‌لرزید و پاهایشان می‌لغزید، زیرا بر حقیقت محکم استوار نشده بودند، و پوشش خدای قادر مطلق نمی‌توانست بر آنان گسترده شود در حالی که چنین می‌لرزیدند.»

«حقیقت حاضر» همان چیزی است که «پوشش» را فراهم می‌کند، و «پوشش» نیز به‌عنوان «مهر خدا» شناخته می‌شود. «مهر خدا» نمونه‌اش همان خونی بود که بر درهای عبرانیان زده شد؛ خونی که به فرشته هلاک‌کننده اجازه داد از خانه‌هایی که در آن‌ها با آن خون «پوشانده» شده بود بگذرد. «پوشش» همان «مهر شدن» است، و «مهر شدن» به‌وسیله «حقیقت حاضر» انجام می‌گیرد.

ایشان را در راستی تو تقدیس کن؛ کلام تو راستی است. یوحنا ۱۷:۱۷

هر جنبش اصلاحی موضوع خاص خود را داشت و موضوع جنبش اصلاحی یکصد و چهل و چهار هزار نفر «اسلام ویل سوم» است. «حقیقت حاضر» در ایام آخر، اسلام ویل سوم است.

کتاب مقدس پیوسته به‌روی قوم خدا گشوده می‌شود. همواره حقیقتی بوده و خواهد بود که به‌طور ویژه به هر نسل مربوط می‌شود. ریویو اند هرالد، ۲۹ ژوئن ۱۸۸۶.

این یک «پیام حقیقت حاضر» است که قوم خدا را در روزهای آخر مَهر می‌کند، و نشان داده شده است که زمان مهر کردن از هنگامی آغاز می‌شود که چهار باد مَهر می‌شوند. ملت‌ها در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ خشمگین شدند و در همان هنگام مهر شدن آن صد و چهل و چهار هزار آغاز گردید، زیرا «باران پسین»، که «یک پیام» است، آغاز به گشوده شدن کرد.

«برای یوحنا صحنه‌هایی ژرف و هیجان‌انگیز در تجربه کلیسا گشوده شد. او موقعیت، خطرات، کشمکش‌ها و رهایی نهایی قوم خدا را دید. او پیام‌های پایانی را ثبت می‌کند که قرار است محصول زمین را رسیده سازند: یا چون خوشه‌هایی برای انبار آسمانی، یا چون دسته‌های هیزم برای آتش‌های نابودی. موضوعاتی بس مهم بر او مکشوف شد، به‌ویژه برای کلیسای واپسین، تا آنان که باید از خطا به سوی حقیقت بازگردند درباره خطرات و کشمکش‌های پیش رویشان تعلیم یابند. هیچ‌کس لازم نیست نسبت به آنچه بر زمین خواهد آمد در تاریکی بماند.» نبرد عظیم، ص ۳۴۱.

وقتی امت‌ها خشمگین شدند، هم‌زمان مَهر شدند و «باران آخر» شروع به باریدن کرد، و باران آخر پیام «حقیقت حاضر» است که قوم خدا را مهر می‌زند.

کار در بتل کریک نیز از همان قماش است. رهبران آسایشگاه با بی‌ایمانان درآمیخته‌اند و کم‌وبیش آنان را به شوراهای خود راه داده‌اند، اما این مانند آن است که با چشمان بسته به کار مشغول شوند. آنان بصیرتی ندارند که ببینند هر لحظه چه چیزی ممکن است بر سر ما فرو ریزد. روحی از درماندگی، جنگ و خونریزی وجود دارد، و آن روح تا خود پایان زمان فزونی خواهد یافت. به محض آنکه قوم خدا بر پیشانی‌هایشان مهر شوند—نه مهر یا نشانه‌ای که دیدنی باشد، بلکه استقرار در حقیقت، هم از نظر فکری و هم روحانی، به‌گونه‌ای که نتوان آنان را متزلزل ساخت—به محض آنکه قوم خدا مهر شوند و برای لرزش آماده گردند، آن فرا خواهد رسید. در واقع، هم‌اکنون آغاز شده است. دآوری‌های خدا اکنون بر این سرزمین نازل شده است تا به ما هشدار دهد، تا بدانیم چه در راه است. انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۱۰، ۲۵۲.

«مَهر شدن» «استقرار در حقیقت» است. در زمینه زمان مَهر شدن او می‌نویسد: «روحیه‌ای از استیصال، جنگ و خونریزی وجود دارد، و آن روحیه تا خود پایان زمان افزایش خواهد یافت.» هنگامی که ملت‌ها خشمگین شوند، مَهر خواهند شد، اما «جنگ و خونریزی» که به‌صورت چهار باد به تصویر کشیده شده‌اند «تا خود پایان زمان» افزایش خواهند یافت. اسلام «وای سوم» به‌تدریج جنگ‌افروزی خود را تا خود پایان زمان تشدید می‌کند، و درک نبوی از اسلام به‌عنوان «موضوع محوری» در اصلاح صد و چهل و چهار هزار، هم‌زمان در همان دوره افزایش می‌یابد. تشدید تدریجی‌ای که به‌وسیله اسلام تحقق می‌یابد، در همان بازه زمانی با فروبارش باران دیر هنگام هم‌راستا پیش می‌رود، زیرا باران

دیرهنگام یک «پیام» است.

مسح‌شدگانی که در کنار خداوند تمامی زمین ایستاده‌اند، مقامی را دارند که زمانی به شیطان، کروب پوشاننده، داده شده بود. خداوند از طریق موجودات مقدسی که گرداگرد تخت او هستند، رابطه‌ای پیوسته با ساکنان زمین حفظ می‌کند. روغن زرین نماد فیضی است که خدا با آن چراغ‌های ایمانداران را تأمین می‌کند تا سوسو نزنند و خاموش نشوند. اگر چنین نبود که این روغن مقدس در پیام‌های روح خدا از آسمان فرو ریخته می‌شود، عوامل شر بر انسان‌ها به‌طور کامل تسلط می‌یافتند.

خدا بی‌حرمت می‌شود هنگامی که پیام‌هایی را که برای ما می‌فرستد نپذیریم. بدین‌سان روغن زرین را که می‌خواهد در جان‌های ما بریزد تا به کسانی که در تاریکی‌اند رسانده شود، رد می‌کنیم. هنگامی که ندایی برسد: «اینک داماد می‌آید؛ بیرون روید به استقبال او»، آنانی که روغن مقدس را نپذیرفته‌اند، که فیض مسیح را در دل‌های خود گرامی نداشته‌اند، همچون باکره‌های نادان خواهند دید که برای ملاقات خداوند خویش آماده نیستند. آنان در خود توان به دست آوردن آن روغن را ندارند و زندگی‌شان تباه می‌شود. اما اگر روح‌القدس خدا را بخواهیم، اگر چون موسی تضرع کنیم: «جلال خود را به من بنما»، محبت خدا در دل‌های ما ریخته خواهد شد. به‌وسیله لوله‌های زرین، روغن زرین به ما انتقال خواهد یافت. «نه به قدرت و نه به قوت، بلکه به روح من»، می‌فرماید خداوند لشکرها. با دریافت پرتوهای درخشان خورشید عدالت، فرزندان خدا همچون چراغ‌ها در جهان می‌درخشند. ۲۰، Review and Herald، ژوئیه ۱۸۹۷.

باران پسین با "تم‌نم" آغاز می‌شود و در نهایت به ریزش کامل می‌انجامد. "تم‌نم" باران پسین به عنوان بارانی "به اندازه" شناخته می‌شود، و ریزش کامل هنگامی است که "بی اندازه" ریخته می‌شود. خواهر وایت به روشنی زمانی را مشخص می‌کند که باران پسین در حال باریدن است و برخی آن را دریافت می‌کنند و برخی نه. در آن زمان باران "به اندازه" می‌بارد، یا "تم‌نم" است. برخی از مردم متوجه خواهند شد که چیزی در حال رخ دادن است، اما این فقط آن‌ها را خواهد ترساند.

قرار است در کلیساها تجلی شگفت‌انگیزی از قدرت خدا پدید آید، اما بر کسانی که خود را در برابر خداوند فروتن نکرده‌اند و با اعتراف و توبه در دل خویش را نگشوده‌اند اثر نخواهد گذاشت. در ظهور آن قدرت که زمین را با جلال خدا روشن می‌کند، آنان فقط چیزی خواهند دید که در کوری خود آن را خطرناک می‌پندارند؛ چیزی که ترسشان را برمی‌انگیزد و خود را برای مقاومت در برابر آن آماده می‌کنند. چون خداوند مطابق با انتظارات و آرمان آنان عمل نمی‌کند، با آن کار مخالفت خواهند کرد. می‌گویند: «چرا نباید روح خدا را بشناسیم، وقتی سال‌های بسیار در این کار بوده‌ایم؟» زیرا به هشدارها و التماس‌های پیام‌های خدا پاسخ ندادند، بلکه پیوسته گفتند: «من توانگرم، و دارایی‌ام افزون شده، و به هیچ چیز نیاز ندارم.» ماراناتا، ۲۱۹

بسیاری تا حد زیادی در دریافت باران نخستین ناکام مانده‌اند. آنان همه برکاتی را که خدا بدین‌سان برایشان فراهم کرده است به دست نیاورده‌اند. انتظار دارند که این کمبود با باران پسین جبران شود. وقتی فراوان‌ترین فیض عطا شود، قصد دارند دل‌های خود را بگشایند تا آن را دریافت کنند. آنان دچار اشتباهی هولناک‌اند. کاری که خدا در بخشیدن نور و معرفت خود در دل انسان آغاز کرده است باید پیوسته پیش برود. هر فرد باید نیاز خود را دریابد. دل باید از هر آلودگی خالی شود و برای سکونت روح پاک گردد. شاگردان نخستین به‌وسیله اعتراف و ترک گناه، با دعای جدی و وقف کردن خود به خدا، برای فروریختن روح‌القدس در روز پنتیکاست مهیا شدند. همان کار، اما در درجه‌ای بالاتر، اکنون باید انجام شود. آنگاه عامل انسانی فقط باید برکت را درخواست می‌کرد و منتظر می‌ماند تا خداوند کار مربوط به او را کامل کند. این خداست که کار را آغاز کرده، و او کار خود را به انجام خواهد رساند و انسان را در عیسی مسیح کامل خواهد ساخت. اما نباید از فیضی

که باران نخستین نمایانگر آن است غفلت شود. تنها کسانی که مطابق نوری که دارند زندگی می‌کنند، نور بیشتری دریافت خواهند کرد. اگر هر روز در به‌کار بستن فضایل فعال مسیحی پیش برویم، ظهورات روح‌القدس را در باران پسین بازنخواهیم شناخت. ممکن است بر دل‌های پیرامون ما فروبریزد، اما آن را نه تشخیص خواهیم داد و نه دریافت خواهیم کرد. شهادت برای خادمان، ۵۰۶، ۵۰۷.

در آن فراز، او تصریح می‌کند که زمانی فرا می‌رسد که «فراوان‌ترین فیض اعطا خواهد شد»، و بدین‌سان زمانی را نشان می‌دهد که باران آخر بی‌حد و حصر فرو ریخته می‌شود. در پی همین نکته، او اعلام می‌کند که تنها کسانی که به قدر نوری که دارند زندگی می‌کنند، نور بیشتری دریافت خواهند کرد. بر اساس همان اصل، روشن است که نور (که همان حقیقت حاضر است) به تدریج افزایش می‌یابد. در جمله پایانی، او زمانی را مشخص می‌کند که باران آخر در حال باریدن است و برخی آن را تشخیص داده و می‌پذیرند و برخی دیگر نه. اگر پیام، که همان باران آخر است، را تشخیص ندهید، آن را دریافت نخواهید کرد.

ما نباید منتظر باران پسین بمانیم. این باران بر همه کسانی فرو می‌ریزد که شب‌نم و رگبارهای فیضی را که بر ما می‌بارد، بشناسند و از آن بهره‌مند شوند. وقتی ذرات نور را گرد می‌آوریم، وقتی رحمت‌های استوار خدا را—که دوست دارد ما به او اعتماد کنیم—قدر می‌دانیم، آنگاه هر وعده‌ای تحقق خواهد یافت. [اشعیا ۶۱:۱۱ نقل شده است.] تمام زمین باید از جلال خدا پر شود. تفسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، صفحه ۹۸۴.

در زمانی که ملت‌های خشمگین در مهار نگه داشته می‌شوند، باران پسین شروع به «سنجیده شدن» می‌کند. وقتی «غنی‌ترین فراوانی فیض عطا شود»، این زمان فرو ریختن بی‌پیمانه‌ی باران پسین را مشخص می‌کند.

در زمانی که امت‌ها خشمگین‌اند، اما مهار شده‌اند، باران پسین شروع به باریدن می‌کند، اما «پیمانه‌شده» است، چون کلیسا در آن مقطع با گندم و علف‌های هرز درآمیخته است. این همان بارانی است که هر دو، گندم و علف‌های هرز را به بلوغ می‌رساند، و باران پسین پیام حقیقت حاضر است که یا شناخته و پذیرفته می‌شود، یا نه. همه این مفاهیم نبوی به روشنی در کتاب مقدس مشخص شده‌اند. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، باران پسین شروع به «نم‌نم» باریدن کرد، و به تدریج شدت می‌گیرد تا پیام فریاد نیمه‌شب برسد و دوشیزگان دانا و نادان برای همیشه از هم جدا شوند.

آنگاه خردمندان چون پرچمی برافراشته می‌شوند تا گله دیگر خدا را به بیرون آمدن از بابل فراخوانند، و باران پسین آنگاه بی‌حد و اندازه فرو می‌ریزد و همچنان می‌بارد تا میکائیل برخیزد و مهلت بشر پایان یابد.

«دیدم که چهار فرشته چهار باد را باز خواهند داشت تا کار عیسی در مقدسگاه به انجام برسد، و آنگاه هفت بلای آخر فرا خواهند رسید.» نوشته‌های نخستین، ص ۳۶.

بازداشتن چهار باد، نمایانگر کنترل مشیت خدا بر داورهای فزاینده‌ای است که او اجازه می‌دهد در ایام آخر رخ دهند. چهار فرشته در زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، چهار باد را بازمی‌دارند، اما در آن دوره «روح استیصال، جنگ و خون‌ریزی، و آن روح افزایش خواهد یافت.» هنگامی که آخرین فرزندان خدا مهر شدند، میکائیل برخواید خاست و چهار باد به‌طور کامل رها خواهند شد، و هفت بلای آخر فرا خواهند رسید.

در «ساعت زلزله عظیم» باب یازدهم مکاشفه، یعنی در «زمان‌های پرمشقت» باب نهم دانیال، زمانی که خیابان و دیوار به پایان می‌رسند، همان زمانی است که «امت‌ها خشمگین خواهند شد». در آن

دوره، باران آخر به «اندازه» ریخته خواهد شد. اشعیا زمانی را که باران آخر اندازه‌گیری می‌شود مشخص می‌کند و آن زمان را «روز باد شرقی» می‌نامد. «روز باد شرقی» یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بود.

ما به بررسی «اندازه‌گیری» باران آخر در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد، اما باید به یاد داشت که گوهر رؤیای میلر که بر الواح مقدس حبقوق به صورت سه «وای» اسلام نمود یافته است، در ایام آخر ده برابر درخشان‌تر از زمانی خواهد درخشید که نخستین بار به دست میلر گردآوری شد.

یک بار، هنگامی که در شهر نیویورک بودم، در هنگام شب فراخوانده شدم تا ساختمان‌هایی را ببینم که طبقه پشت طبقه به سوی آسمان بالا می‌رفتند. تضمین شده بود که این ساختمان‌ها ضدحریق‌اند، و آن‌ها را برای جلال دادن صاحبان و سازندگانشان برپا کرده بودند. این ساختمان‌ها بالاتر و باز هم بالاتر قد می‌کشیدند، و در آن‌ها گرانبهاترین مصالح به کار رفته بود. کسانی که این ساختمان‌ها به آنان تعلق داشت از خود نمی‌پرسیدند: «چگونه می‌توانیم به بهترین وجه خدا را جلال دهیم؟» خداوند در اندیشه‌هایشان نبود.

"با خود اندیشیدم: 'ای کاش آنان که بدین‌گونه اموال خود را سرمایه‌گذاری می‌کنند، مسیر خود را چنان که خدا می‌بیند، می‌دیدند! آنان پشت سر هم بناهای باشکوهی برپا می‌کنند، اما برنامه‌ریزی و تدبیرشان در نظر فرمانروای جهان هستی تا چه حد نابخردانه است. آنان با همه توان دل و ذهن خود در این نمی‌کوشند که چگونه می‌توانند خدا را جلال دهند. آنان این را، که نخستین وظیفه انسان است، از نظر دور داشته‌اند."

همزمان با برپا شدن این ساختمان‌های رفیع، مالکانشان با غرور جاه‌طلبانه شادمان بودند که پولی دارند تا آن را صرف ارضای نفس و برانگیختن حسادت همسایگان کنند. بخش بزرگی از پولی که بدین‌سان سرمایه‌گذاری کردند از راه اخاذی، از راه ستم بر تهیدستان به دست آمده بود. آنان فراموش کردند که در آسمان حساب هر معامله‌ای نگه داشته می‌شود؛ هر معامله ناعادلانه، هر عمل فریبکارانه، همان‌جا ثبت است. زمانی فرا می‌رسد که مردم در تقلب و گستاخی به نقطه‌ای می‌رسند که خداوند اجازه نمی‌دهد از آن فراتر روند، و خواهند دانست که بردباری یهوه حدی دارد.

صحنه‌ای که سپس در برابر دیدگانم گذشت، هشدار آتش‌سوزی بود. مردم به ساختمان‌های بلندمرتبه و ظاهراً ضدحریق نگاه کردند و گفتند: «آنها کاملاً ایمن‌اند.» اما این ساختمان‌ها چنان طعمه آتش شدند که گویی از قیر ساخته شده‌اند. خودروهای آتش‌نشانی برای مهار ویرانی کاری از دستشان برنمی‌آمد. آتش‌نشانان قادر نبودند دستگاه‌ها را به کار بیندازند.

به من دستور داده شده که وقتی زمان خداوند فرا برسد، اگر هیچ تغییری در دل‌های انسان‌های مغرور و جاه‌طلب رخ نداده باشد، انسان‌ها درخواهند یافت که دستی که برای نجات نیرومند بود، برای نابود کردن نیز نیرومند خواهد بود. هیچ قدرت زمینی نمی‌تواند دست خدا را بازدارد. هیچ مصالحی را نمی‌توان در ساخت بناها به کار برد که آنها را از نابودی مصون بدارد، وقتی زمان مقرر خدا فرا برسد تا به سبب بی‌اعتنایی آنان به شریعت او و جاه‌طلبی خودخواهانه‌شان، کیفر را بر آنان نازل کند. شهادت، جلد ۹، ۱۲، ۱۳.